



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 1, (Serial. 37), Autumn 2025 & Winter 2026

10.30497/qhs.2025.247755.4093

Research Paper

Semantic Analysis of "*Wilāyah*" in the Holy Quran Based on the Relationships of syntagmatic and paradigmatic

Seyyed Sajjad Tabatabaie Nejad *
Ali Aminian **

Received: 26/02/2025

Accepted: 30/08/2025

Abstract

In the search for the meaning of "*Wilāyah*" in the verses of the Quran, we encounter several concepts that are linked to each other. This article aims to explain the word "*Wilāyah*" in the Quran using a structural semantics approach and a descriptive-analytical method and extract its semantic components with the help of its companions, substitutes and antonyms in the Quran. "*Wilāyah*" in the structure of the verses of the Quran is accompanied in a complementary relationship with the concepts of "*Ittikhādh*", "*Nuṣrah*", "*Hidāyah*", "*Tawakkul*" and "*Sulṭān*"; in an intensified relationship, it is accompanied in a complementary relationship with the concepts of "*Nuṣrah*", "*Shafā'ah*", "*Mulk*", "*Hidāyah*" and some other concepts and in an opposing relationship with the word "*Adūw*". Derivatives of "*Walī*" on the axis of substitution are also synonymous with the words "*Khalīl*", "*Rabb*", "*Wakīl*", "*Naṣīr*" and "*Mutaḥad*". Based on this study and extraction of the semantic components of "*wilayah*", we are faced with four functions of "companionship and companionship", "management and supervision", "protection and support", and "assistance and help" for "*Wilāyah*" in the literature of the Quran. The accuracy of these functions and meanings rearranges the longitudinal *Wilāyah* relationship between the guardian and the people, as well as the social relationship between believers based on wilayah, with a new meaning.

Keywords: syntagmatic relations, paradigmatic relations, semantics, structural semantics, guardianship (*Wilāyah*).

© The Author(s) 2025.

* Assistant Professor, Department of Culture and Education, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. (Corresponding author) (s.tabatabaee@isu.ac.ir)

** Assistant Professor, Islamic Education Department, Imam Hussein University, Tehran, Iran. (aaminian@ihu.ac.ir)





<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۳۷
پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص ۹۵-۱۲۱

10.30497/qhs.2025.247755.4093

مقاله پژوهشی

تحلیل معناشناسانه «ولایت» در قرآن کریم بر پایه روابط همنشینی و جانشینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

سیدسجاد طباطبائی نژاد*

علی امینیان**

چکیده

در پی چوبی معنای «ولایت» در آیات قرآن، با مفاهیم متعددی روبه‌رو می‌شویم، که به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این نوشتار قصد دارد با رویکرد معناشناسی ساختاری، به روش توصیفی تحلیلی به تبیین واژه «ولایت» در قرآن پرداخته و مؤلفه‌های معنایی آن را به کمک همنشین‌ها، جانشین‌ها و اضدادش در قرآن استخراج کند. «ولایت» در ساختار آیات قرآن، در یک رابطه مکملی، با مفاهیم «اتخاذ»، «نصرت»، «هدایت»، «توکل» و «سلطان» همنشین شده است؛ در یک رابطه اشتدادی، با مفاهیم «نصرت»، «شفاعت»، «ملک»، «هدایت» و برخی دیگر مفاهیم و در یک رابطه تقابلی با واژه «عدو» همنشین شده است. مشتقات «ولی» بر محور جانشینی نیز با واژگان «خلیل»، «رب»، «وکیل»، «نصیر» و «ملتحد» دارای هم‌معنایی است. بر پایه این بررسی و استخراج مؤلفه‌های معنایی «ولایت»، با چهار کارکرد «رفاقت و همراهی»، «تدبیر و سرپرستی»، «محافظت و پشتیبانی» و «کمک‌رسانی و یاری‌گری» برای «ولایت» در ادبیات قرآن روبه‌رو هستیم که دقت در این کارکردها و معانی، رابطه ولایی طولی میان ولی و مردم و نیز رابطه اجتماعی میان مؤمنان بر پایه ولایت را با معنای تازه‌ای بازآرایی می‌نماید.

واژگان کلیدی: روابط جانشینی، روابط همنشینی، معناشناسی، معناشناسی ساختاری، ولایت.

* استادیار گروه فرهنگ و تربیت، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

(s.tabatabaee@isu.ac.ir)

** استادیار گروه تربیت اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران. (aaminian@ihu.ac.ir)

طرح مسئله

طرح تعالی انسان در اندیشه ناب اسلامی، نه یک موضوع فرهنگی محض که در واقع نظام‌واره‌ای برای زندگی انسان با خوانشی مترقی از دستگاه رفتار و اخلاق و اندیشه او است. به منظور این تربیت و تعالی، می‌بایست طرحی اجتماعی و کلان داشت که از یک سو بتواند در برابر سیطره فرهنگی طاغوت، مقاومت کند و از سوی دیگر آغازی برای طرح‌ریزی نظم الهی و گسیل توجّهات عمومی به سمت معنویت اصیل دینی باشد. این طرح جز با تغییر عنصر مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی برای اداره انسان‌ها و هجرت دادن آن‌ها از ماده محوری به خدامحوری، ممکن نیست و این همان طرح‌واره ولایت به معنای سرپرستی اراده‌های انسانی و هدایت جمعی آن‌ها به سوی تعالی و معنویت است. بر این اساس مفهوم «ولایت» از جمله مفاهیم کلیدی در ادبیات دینی به شمار آمده که حساسیت‌های ویژه صاحب نظران حوزه توسعه اجتماعی را به خود معطوف داشته است. این مقاله سعی نموده است با رویکرد معناشناختی ساختاری، به بررسی واژه ولایت در خلال مهم‌ترین منبع دینی یعنی کلام وحی پرداخته تا از این رهگذر فضای روشن‌تری را در مورد معنا و مفهوم آن و همچنین کاربردها و استعمالات واژه، پیش روی پژوهشگران علوم اسلامی و انسانی قرار دهد.

اساساً در علم «معناشناسی»^۱، کشف معنای دقیق یک واژه با دو رویکرد «درزمانی»^۲ و «هم‌زمانی»^۳ پیجویی می‌گردد. در معناشناسی درزمانی، دگرگونی‌های معنای واژه در طول زمان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته؛ اما در معناشناسی هم‌زمانی، موضوع زمان لحاظ نمی‌گردد و صرفاً تمایزات میان معانی در یک مقطع مشخص مورد بررسی قرار می‌گیرد (رهنما، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱)؛ در چنین شرایطی هر زبانی در هر برشی از زمان، به منزله یک نظام ارتباطی خودکفا و مستقل مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد (Robins, 1976, p200). این رویکرد گونه‌ای از معناشناسی را معرفی می‌کند که بر پایه اصول زبان‌شناختی ساخت گرا، از طریق بررسی هم‌نشین‌ها و جانشین‌های واژه، در چارچوب روابط معنایی، به توصیف معنا می‌پردازد (ساسانی، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸). بر این اساس، واژه‌ها، عناصر زبانی لحاظ شده که سیستم‌وار به هم اتصال یافته و معنای آنها تحت تأثیر بافت و ساختار یک متن قرار دارد، که این امر واکاوی ارتباط منطقی بین واژگان و اجزای درون آن را در یک متن می‌طلبد. قرآن کریم از جمله

۱. Semantic
۲. diachronic
۳. synchronic

متونی است که واژگان آن دارای پیوستگی معنایی هستند که با توجه به بافت سوره، از لایه‌های متعدد معنایی برخوردارند؛ بنابراین بررسی ژرف‌تر معنای واژگان این کتاب مقدس ضروری می‌نماید.

بررسی مفهوم «ولایت» در این متن آسمانی، در ارتباط با سایر مفاهیم نزدیک به آن و نیز مفاهیم متقابل آن و نیز جانشین آن، تکمیل‌کننده تصویر ساختمان درونی آن و نیز دلالت‌های معنایی در حوزه‌های معنایی گوناگون است. برای دستیابی به این هدف، این نوشتار با رویکرد معناشناسی ساختاری^۱، با محوریت متن قرآن و به روش تحلیلی توصیفی به تبیین واژه «ولایت» پرداخته تا عناصر معنایی این مفهوم و روابط میان این عناصر مورد کاوش قرار گیرد. با روشن شدن تدریجی ابعاد و زوایای مغفول مفهوم ولایت، کارکردها، دلالت‌ها و رهنمودهای این معنا در جهت رشد و تربیت انسان‌ها و جوامع انسانی - که قرآن به دنبال آن است - آشکار می‌گردد.

پیشینه پژوهش

سیدمحمدحسین فتحی (۱۳۹۴ش) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم و مراتب ولایت در قرآن کریم» به این مسئله پرداخته که ولایت نه یک مسئله تاریخی صرف بلکه فراتر از آن، اجتماعی است. وی به تبیین انواع ولایت تشریعی و تکوینی پرداخته و نسبت ولایت امام با ولایت الهی و آثار آن را مورد مذاقه قرار داده است.

شمسی واقف‌زاده (۱۳۸۹ش) در مقاله‌ای با همین عنوان، پس از تبیین معنای ولایت به عنوان یک مشترک معنوی، بر مسأله مراتب ولایت در ادبیات قرآن تمرکز نموده و آن را در چهار مرتبه ولایت خداوند، ولایت پیامبران و معصومان، ولایت فقیه عادل و ولایت مؤمنان عادل تبیین نموده است.

وحید کاظم (۱۳۹۶ش) در پایان نامه خود با عنوان «معناشناسی هم‌زمانی و درزمانی واژه ولایت در قرآن کریم» با روش تحلیل محتوا به معناشناسی ولایت در قرآن پرداخته و حوزه معنایی این واژه را در محور همنشینی در اتصال به واژگانی نظیر نصرت، مالکیت، اطاعت، تبعیت و در محور جانشینی در ارتباط با مفاهیم سلطنت، مالکیت و نصرت تبیین و تحلیل می‌نماید.

زهره قاسم نژاد با همکاری زهرا رحیمی (۱۳۹۳ش) در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی سیستماتیک واژه ولایت و رسم شبکه‌های معنایی مرتبط با واژه ولایت در آموزه‌های امام رضا (ع)»، با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی به بررسی معناشناختی این واژه، در ارتباط با واژگان هم‌نشین آن در روایات رسیده از امام رضا (ع) پرداخته است. بر

^۱ . structural semantics

اساس یافته‌های مقاله، واژه ولایت علاوه بر ارتباط با توحید، با واژگانی چون نبوت، نبی، وصی نبی، امامت، اطاعت، اولی الامر، عروة الوثقی، حجت، هدایت، نور و دین حق در ارتباط است.

محبوبه سقاب گندم آبادی (۱۳۹۵ش) در رساله دکتری خود با عنوان «معناشناسی واژگان مرتبط به حوزه امامت و ولایت در قرآن»، دو واژه امام و ولی را از نظر معناشناسی تاریخی، توصیفی و شناختی مورد بررسی قرار داده تا از این رهگذر به مولفه‌های معنایی این دو واژه نائل آید. بر اساس یافته‌های این پژوهش در بخش معناشناسی ساختاری واژه «ولی»، مؤلفه‌های معنایی این واژه بر محور همنشینی، مفاهیم الله، نصیر، شفیع، واق، هدایت، خسران، عذاب و برخی دیگر مفاهیم بوده و نیز بر محور جانشینی، مفاهیم نصیر، محب، ولی دم، وصی، جار، ابن العم، حلیف و پاره‌ای دیگر واژگان با این واژه در یک حوزه معنایی قرار گرفته‌اند. همچنین مشخص می‌گردد این دو واژه دارای سطوح و لایه‌های معنایی ویژه‌ای هستند که هیچ واژه دیگری نمی‌تواند رساننده معنای آن‌ها باشد.

سیدحسین جمشیدی (۱۳۹۷ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «حوزه معنایی ولایت در قرآن» به شناسایی حوزه معنایی ولایت و ارتباط آن با دیگر مفاهیم مرتبط در خلال آیات قرآن پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که بین دو کلمه «ولی» و «مولی»، با وجود اشتراک در تعداد زیادی از مولفه‌های معنایی، رابطه مفهومی ترادف برقرار نیست؛ به طوریکه مؤلفه نسبیت که در کنار مؤلفه سببیت در مفهوم ولی وجود دارد، در مفهوم مولی نیست. همچنین مشخص می‌گردد که سه حوزه معنایی ولایت، امامت و خلافت، در ارتباط با یکدیگر و اشتراک در اعضاء و مولفه‌های معنایی هستند و ارتباط بین دو حوزه امامت و خلافت، از ارتباط میان دو حوزه ولایت و امامت و دو حوزه ولایت و خلافت قوی‌تر است.

در این میان، هر چند دغدغه دو پژوهش وحید کاظم (۱۳۹۶ش) و محبوبه سقاب (۱۳۹۵ش)، معناشناسی ساختاری واژه ولایت بر محور رابطه همنشینی و جانشینی است، اما همانگونه که در ادامه خواهد آمد، در هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته بر اساس روش‌شناسی دقیق مطالعه معناشناسی ساختاری، به کشف معنای این واژه مبتنی بر روابط چهارگانه مکملی، تقابلی، اشتدادی و توزیعی با عمق و کیفیتی که مقاله حاضر بررسی نموده پرداخته نشده است؛ چنانکه در مقاله حاضر، معنا و کارکردهای متفاوتی از مفهوم ولایت، نسبت به این دست پژوهش‌ها ترسیم خواهد شد.



چارچوب نظری پژوهش

در یک مطالعه ساختاری به منظور کشف معنای دقیق واژه در ارتباط با دیگر واژگان در بافت یک متن، دو نوع رابطه مهم میان واژگان قابل پیجویی است؛ یکی رابطه «همنشینی»^۱ بر محور افقی که رابطه‌ای است میان عنصرهای شکل دهنده توالی‌ها در یک متن و دیگری «جانشینی»^۲ بر محور عمودی که رابطه‌ای است که عنصرهای جایگزین یکدیگر را در متن معرفی می‌کند (پالمر، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۵۹). رابطه همنشینی، معناشناسی در سطح یک جمله است که واژه مورد نظر در ارتباط با کلمات همنشین آن مورد سنجش قرار گرفته و مطابق این ارتباط، زاویه‌هایی از معنای واژه به دست می‌آید. به طور کلی در هر ترکیب، قواعد تشکیلی خاصی وجود دارد و سازه‌ها به طرق مشخصی با یکدیگر مرتبطند، که از آن تحت عنوان رابطه همنشینی یاد می‌کنیم (لوبنر، ۱۳۹۹ ش، ص ۳۰۷). اصلی‌ترین هدف در همنشینی کلمات، به هم پیوستن مفاهیم نهفته در واژگان است؛ چرا که واژگان قرآن جدا از هم به کار نرفته و در ارتباط وثیق با یکدیگر هستند و معنایشان را از مجموع تعامل و ارتباطی که با یکدیگر دارند، به دست می‌آورند (ایزوتسو، ۱۳۶۱ ش، ص ۶). از سوی دیگر، مراد از رابطه جانشینی، رابطه و نسبت جایگزینی میان زنجیره کلماتی است که می‌توانند جایگزین لفظ مورد نظر شده و در همان معنا، واحد تازه‌ای به وجود آورند (پالمر، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۵۹).

در معناشناسی واژگان قرآن مبتنی بر روابط همنشینی، می‌توان به ارتباط دو کلمه همنشین با یکدیگر به عنوان «زوج معنایی»^۳ اشاره نمود؛ که به طور انحصاری در چهار نوع ارتباط طبقه‌بندی می‌شود. واژگان زوج‌های معنایی در قرآن با یکدیگر دو نوع رابطه «نحوی-معنایی» یا «معنایی-معنایی» را ساخت می‌دهند. در رابطه «نحوی-معنایی»، که با نام «رابطه مکملی» نیز شناخته می‌شود، نوعی از ارتباط را شاهد هستیم که بر اساس ساختار نحوی بین دو واژه ساخته می‌شود. رابطه «مبتدا و خبر»، «صفت و موصوف»، «فعل و فاعل» و «فعل و مفعول»، نمونه‌هایی از این نوع ارتباط شمرده می‌شوند. رابطه بین این موارد، از دو صورت خارج نیست: صورت اول به اصل و قاعده نحوی ناظر بوده و صورت دوم، ناظر به رابطه معنایی است که میان دو طرف یک رابطه نحوی مشاهده می‌شود و در این قالب معنایی، پیام جمله به مخاطب انتقال می‌یابد. در کنار این رابطه‌های معنایی، به شکل دیگری از رابطه‌های معنایی میان دو واژه (زوج‌های معنایی) می‌توان اشاره نمود که الزاماً از لحاظ ساختار نحوی با یکدیگر

۱. syntagmatic relation

۲. paradigmatic relation

۳. Semantic pair

ارتباط نداشته؛ بلکه ارتباط میان آن‌ها «معنایی - معنایی» است. این شکل از ارتباط، خود به سه نوع «رابطه اشتدادی»، «رابطه توزیعی» و «رابطه تقابلی» تقسیم می‌شود. رابطه اشتدادی میان دو مفهومی شکل می‌گیرد که دارای مؤلفه معنایی مشترک بوده و دو واژه در مقام معاضدت و تقویت یکدیگر هستند (سلمان نژاد، ۱۳۹۱ش، ص ۱۷). رابطه تقابلی میان دو مفهومی شکل می‌گیرد که در عین برخورداری از مؤلفه معنایی مشترک، در پاره‌ای از مؤلفه‌ها با هم در تخالف و تضاد هستند. مانند «مرد» و «زن»، که هر چند در مؤلفه «انسان بودن» مشترکند، اما در مؤلفه جنسیت، در تضاد با یکدیگر هستند (صفوی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۸-۱۱۷). رابطه توزیعی نیز میان واژگانی است که در حوزه معنایی، قلمروهای متمایزی دارند؛ به عنوان مثال می‌توان به رابطه دو به دوی جهات جغرافیایی، روزهای هفته، رنگ‌های اصلی و مواردی از این قبیل اشاره نمود. (سلمان نژاد، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸)؛ که از این نوع رابطه، گاه با عنوان «تباین معنایی» نیز یاد می‌گردد (ر.ک: صفوی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۱-۱۲۰). این روابط سه گانه در کنار رابطه مکملی، روابط چهارگانه انحصاری میان زوج‌های معنایی را ساخت می‌دهند.

«مؤلفه‌های معنایی» یک واژه با توجه و ناظر به واژگان هم‌نشین و جانشین آن تعیین می‌گردند که برای کشف این مؤلفه‌ها می‌بایست پس از استخراج موارد کاربرد واژه و مشتقات آن در قرآن، ابتدا واژه‌های هم‌نشین با واژه مورد نظر (در این پژوهش، ولایت) و مشتقات آن را بر اساس رابطه‌های چهارگانه (مکملی، اشتدادی، توزیعی و تقابلی) تعیین نمود. در این بخش، واژگانی اهمیت بیشتری دارند که از بسامد بالایی در هم‌نشینی با واژه مورد نظر (ولایت) برخوردار هستند. سپس نوبت به تعیین هم‌نشین‌های واژگان هم‌نشین مفهوم ولایت، به منظور کشف واژگان جانشین می‌رسد. در این مرحله نیز واژگانی در اولویت قرار می‌گیرند که از بسامد بالایی از حیث کاربرد برخوردار باشند. حاصل این بخش، کشف واژگان جانشین از میان پر بسامدترین واژگان هم‌نشین، مرتبط با معنای مورد نظر خواهد بود. نکته مهم در این مرحله آنکه تنها آن دسته از هم‌نشین‌های واژگان هم‌نشین منتخب در اینجا می‌توانند برای کشف واژگان جانشین به کار آیند که با واژه مورد نظر ارتباط مکملی (نحوی - معنایی)، آن هم در همان سیاق مشابه کاربرد ولایت در دیگر آیات، داشته باشند. به طوری که در ادامه خواهیم دید، واژگانی چون «خلیل»، «رب»، «وکیل»، «نصیر» و «ملتحد» از این ویژگی در ارتباط با مفهوم «ولی» برخوردار هستند. با طی این مراحل، مؤلفه‌های معنایی واژه مورد نظر (ولایت)، از طریق فهرست نمودن مفهوم واژگان پر تکراری که در رابطه اشتدادی و رابطه تقابلی با واژه مورد نظر بوده و نیز مفهوم نهفته در واژگان جانشین که در مرحله قبل تعیین شده‌اند، احصاء می‌گردد (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش؛ سلمان نژاد، ۱۳۹۳ش، ص ۱۰۶-۱۰۵).



در ادامه پس از بیان معنای لغوی ولایت در قرآن، بر پایه این چارچوب نظری، همنشین‌ها و جانشین‌های «ولایت» در ادبیات قرآن استخراج شده و مؤلفه‌های معنایی آن ترسیم می‌گردد.

۱. کاربرد «ولایت» در قرآن

ریشه «ولی» بیش از ۲۳۰ بار در آیات گوناگون قرآن کریم با صورت‌هایی اسمی چون «ولی» (جمع: اولیاء)، مولی، ولایه، موالی و... و نیز صورت‌های فعلی مجرد و مزید -باب تفعیل (وَلَّی) و تَفَعَّلَ (تَوَلَّى)- به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۶۸-۷۶۴). لغویان، تلاش‌های فراوانی را برای فهم و ارائه تصویر معنایی صحیحی از این واژه داشته‌اند. در اینجا پس از نگاهی لغوی به کاربرست «ولایت» در آیات قرآن، مؤلفه‌های معنایی آن را با رویکرد معناشناسی ساختاری- بر پایه روابط همنشینی و جانشینی- مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱. معنای لغوی ولایت:

«ولایت» از ماده «ولی» است که در کتاب‌های لغت، معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. برخی ریشه لغت را به معنای قرب و مجاورت دو چیز دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۳۹۲ق، ج ۶، ص ۱۴۲-۱۴۲؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۷۲). برخی آن را به معنای حصول دو یا چند چیز بدون وجود هیچ غیر و فاصلی دانسته و مفهوم قرب در زمان، مکان، نسبت، دین، نصرت و... را مستعار از چنین معنایی می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵). حسن مصطفوی در همین راستا، در تحلیلی جامع، اصل «ولی» را به معنای قرار گرفتن چیزی، جلو یا پشت سر چیز دیگر با وجود نوعی رابطه میان آن‌ها می‌داند، که مفاهیمی چون قرب، حب، نصرت و... از آثار این اصل هستند. بر این اساس، یکی از مصادیق «ولایت»، قرار گرفتن ولی در کنار مولی علیه به منظور تدبیر و کفایت امور مولی علیه یا نصرت اوست که رابطه در اولی، تدبیر امور و در دومی نصرت لحاظ شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۳، ص ۲۰۳)؛ البته در این میان برخی لغت‌شناسان، تصرف و تدبیر ولی نسبت به امور مولی علیه را در معنای لغوی ماده ملحوظ دانسته، به نحوی که با عدم وجود آن، اسم «ولی» بر آن صدق نمی‌کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۲۲۸-۲۲۷).

در کنار این کوشش‌ها، به منظور تقویت و تکمیل مباحث در خصوص فهم دقیق معنای «ولایت» در قرآن یا سایر نصوص، ریشه‌شناسی و کشف معنای آن در سایر زبان‌های هم‌خانواده زبان عربی (خانواده زبان‌های سامی)، بسیار راهگشاست؛ چرا که این زبان‌ها یک نیای مشترک دارند (جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: حجازی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۹-۱۲۸) و معناشناسی واژه در این زبان‌ها ما را با اشتقاق و معنای اصیل واژه بیش از گذشته آشنا می‌نماید.

با بررسی واژه «ولایت» در خانواده زبان‌های سامی می‌بینیم در زبان اکدی واژه (ولی) معادل ریشه lawûm (لاووم) به معنای «محاصره کردن، فراگرفتن چیزی، در پارچه پیچیدن»^۱ می‌باشد (Black, 2000, P179). در جست و جو از این ریشه در زبان عبری، به ریشه לָוַה (لاواه) با دو معنای «اتصال و پیوستگی»^۲ و نیز «پیچیدن، چرخیدن، انحنایافتن»^۳ روبه‌رو می‌شویم (Gesenius, 1939, P530-531). این ریشه در زبان آرامی به معنای «پیوستگی» و «همراهی کردن به منظور حمایت و حفاظت»^۴ (Zammit, 2002, P442) و در زبان سریانی با اندک تفاوت معنایی، به صورت «رفتن یا آمدن با، همراهی و مصاحبت، پیروی کردن»^۵ (همان) بیان شده است (ر.ک: پایگاه قرآن پدیا، فرهنگ ریشه شناختی واژگان قرآن، مدخل «ولی»).

توجه به معنای این ریشه در زبان‌های سامی گویای این مسئله است که معنای قرابت و پیوستگی و همراهی ولی و مولی علیه در اصل لغت لحاظ شده و این منحصر در زبان عربی نیست؛ البته نوعی از قرابت و به هم پیوستگی که از آن به احاطه و محاصره نمودن و پیچیدن به دور چیزی یاد شده است که نهایت و شدت قرابت و پیوستگی را در اصل ریشه لغت نشان می‌دهد.

با بررسی موارد کاربرست «ولایت» در آیات قرآن، مشاهده می‌شود هر دو معنای «اتصال و پیوستگی» و «احاطه و دور چیزی را گرفتن» کاربرد یافته است. معنای اول در آیاتی چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ...» (توبه: ۱۲۳)؛ ای مؤمنان، با کفاری که در مجاورت شما هستند، بجنگید... و «إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (آل عمران: ۶۸) به راستی نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده اند و (نیز) این پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند و خدا ولی مؤمنان است... و مانند آن به کار رفته است.

از ماده «ولی» در معنای «احاطه کردن و دور چیزی را گرفتن»، هنگامی که به باب «تفعیل» می‌رود، معنای ثانوی «گرداندن (خود یا چیز دیگری)» ساخته شده است: «فَلَوْلَيْنَاكَ قَبْلَةَ تَرْضَاهَا قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ

^۱ . Besieged, to surround, wrap up in cloth

^۲ . Join, be joined

^۳ . Turn, twist, wind

^۴ . To join, cling to, to escort

^۵ To go or come with, accompany, follow

مَا كُنْتُمْ قَوْلُوا وَجْهَكُمْ شَطْرَهُ...»؛ (بقره: ۱۴۴) پس تو را به قبل های که بدان خشنود شوی برمی گردانیم، پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید.

یا در این آیه که ولایت در معنای گردش چهره جان انسان یا وجه باطن او آمده است: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۱۱۵)؛ و هر کس، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد، با پیامبر به مخالفت برخیزد و (راهی) غیر از راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده، برمی گردانیم.

اما این ماده، هنگامی که به باب «تَفَعَّلَ» می رود، معنای مطاوعه و پذیرش حکم را نیز می یابد: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ (مائده: ۵۶) کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند، زیرا) حزب خدا پیروز است.

بنابراین ماده «ولی» در آیات قرآن در هر دو معنای «اتصال و نزدیکی» و «احاطه کردن» که در تحلیل لغوی گذشت و مطاوعه و پذیرش اقتضای این معانی، در قرآن منعکس شده است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۳ش). در گام بعد به بررسی همنشین ها و جانشین های واژه با رویکردی ساخت گرا می پردازیم تا ابعاد و مؤلفه های معنایی این واژه بر کاربرد قرآنی روشن تر گردد.

۱-۲. بررسی همنشین های معنایی «ولایت» در قرآن کریم

برای اجرای گام نخست، می بایست در ابتدا تمام همنشین های این واژه مبتنی بر روابط چهارگانه (مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی) تعیین گردد. البته در مورد واژه «ولایت»، با توجه به کاربست فراوان آن در آیات قرآن، طبیعتاً تعداد همنشین های آن نیز زیاد خواهد بود که در این مقاله، از پر بسامدترین همنشین ها و یا آن دسته از همنشین ها که بیش از یک نوع رابطه همنشینی با مفهوم ولایت برقرار ساخته اند (مثلاً مکملی و اشتدادی)، به منظور کشف مؤلفه های معنایی «ولایت» سود برده ایم.

جدول زیر، آیات حاوی «ولایت» به همراه همنشین ها و نوع رابطه همنشینی را نشان می دهد:

ردیف	آیه (به عنوان نمونه)	واژه اصلی	مفهوم همنشین	تکرار	رابطه
۱	كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ	توَلَّاهُ	هدایت	۱	مکملی (فعل-فاعل)
۲	وَ مَا كَانَ هُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُوهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ / أَأَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَىٰ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ	اولیاء / مولی	فعل «نصرت»	۳	

مکملی (فعل - مفعول)	۲۲	فعل «اتخاذ»	اولیاء / ولی	لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ / وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا	۳
	۱	فعل «تبعیت»	اولیاء	وَ لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ	۴
	۳	فعل «جعل»	موالی / ولی / اولیاء	وَ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ بِمَا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ / وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا / إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ	۵
	۷	فعل «وجدان»	ولی / اولیاء	وَ لَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا / وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ يَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ	۶
مکملی (فعل - مفعول با واسطه)	۲	فعل «توکل»	مولی / ولی	إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ / وَ اللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ	۷
مکملی (فعل - تمییز)	۱	فعل «کفایت»	ولی	كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا	۸
مکملی (صفت - موصوف)	۱	حمید	ولی	هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ	۹
	۱	مرشد	ولی	وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا	۱۰
	۱	حمیم	ولی	فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ	۱۱
مکملی (مبتدا - خبر)	۱۸	الله	ولی	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا	۱۲
	۱	رب	ولی	لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	۱۳
	۱	حکم	مولی	ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَ هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ	۱۴
	۲	سلطان	یتولونه / ولی	إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ / وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا	۱۵
	۱	نصرت	مولی	اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ	۱۶
اشتدادی	۲۲	نصرت	ولی / مولی / اولیاء	مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ / يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ / مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ	۱۷
	۲	هدایت	اولیاء	وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ يَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ	۱۸
	۱	عشیر (معاشرت)	مولی	لَيْسَ الْمَوْلَى وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ	۱۹

۲۰	أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ	ولی	غفران و رحمت	۱
۲۱	فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فِإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ	موالی	اخوت	۱
۲۲	وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ	مولی	ظهير(مظاهرت)	۱
۲۳	لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ	ولی	مُلک	۲
۲۴	قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَتَتَّخِذُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ	اولیاء	رب (ربوبیت)	۱
۲۵	مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا شَفِيعٍ	ولی	شفاعت	۳
۲۶	مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا	ولی	حکم	۱
۲۷	مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ	ولی	وقایت	۱
۲۸	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ثُلُثُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ	اولیاء	مودت	۱
۲۹	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ	اولیاء	عدو	۱
تقابلی				

جدول ۱: آیات حاوی «ولایت» به همراه همنشین‌ها و نوع رابطه همنشینی

چنانکه در جدول فوق انعکاس یافته است، مشتقات ماده «ولی»، با اسماء، صفات و افعالی روابط معنایی مکملی، اشتدادی و تقابلی برقرار نموده است. در خصوص روابط توزیعی ولایت، لازم به ذکر است که هر چند مفهوم ولایت در قرآن، رابطه توزیعی با واژه دیگری ایجاد نساخته است، اما سه واژه «خدا»، «رسول» و «مؤمنان» ذیل مفهوم کلی ولایت، با یکدیگر رابطه توزیعی برقرار می‌نمایند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵). همان طور که از مفهوم آیه برداشت می‌شود، مصادیق ولایت میان سه دسته (خدا، رسول او و مؤمنان) توزیع شده است.

۱-۲-۱. روابط مکملی ولایت در قرآن

با توجه به جدول همنشین‌ها و کمیت روابط همنشینی ولایت (بیش از یک مورد)، مهم‌ترین همنشین‌های این واژه با رابطه مکملی با ولایت عبارتند از:

۱. «اتخاذ»؛ در قالب فعلی، به معنای تحصیل و کسب یک چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷) با بالاترین بسامد (۲۲ مرتبه)، در رابطه فعل و مفعول با ولایت قرار دارد. که البته در این سیاق، ولایت مفعول دوم فعل اتخاذ قرار گرفته است.

۲. «الله»؛ نام علم پروردگار، ۱۸ مرتبه به عنوان مبتدا برای واژه «ولی» در خلال آیات کاربرد یافته است.

۳. «وجدان» در قالب فعلی به معنای پیدا کردن و دست یافتن (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۱۸۲)، که در ۷ مورد «ولی» مفعول این فعل قرار گرفته است و رابطه فعل - مفعول میان این دو واژه برقرار شده است.

۴. «نصرت»؛ به معنای یاری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۸) که ۳ مرتبه در قالب فعلی، در رابطه فعل - فاعل و یک مرتبه به صورت اسمی و در رابطه مبتدا - خبر با مشتقات ولایت صورت بندی شده است.

۵. «جعل»؛ در قالب فعلی، سه مرتبه در رابطه فعل - مفعول با مشتقات ولایت به کار رفته است که در این میان، مشتقات ولایت، دو مرتبه به عنوان مفعول اول و یک مرتبه به عنوان مفعول دوم این فعل کاربرد یافته اند.

۶. «توکل»؛ در قالب فعلی، به معنای اعتماد و تفویض امر به یک شخص (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲)، ۲ مرتبه به صورت رابطه فعل - مفعول با واسطه با مشتقات ولایت کاربرد یافته است.

۷. «سلطان»؛ به معنای قدرت و حجت (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۲۵۵) در قالب مصدری، ۲ مرتبه به صورت رابطه مبتدا - خبر با مشتقات ولایت استعمال شده است.

۸. «هدایت»؛ به معنای راهنمایی از روی لطف (دلالةً بلطف) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۳۵) هر چند یک مرتبه در رابطه فعل و فاعلی با ولایت قرار دارد، اما با توجه به بسامد و تکرار آن در رابطه اشتدادی با ولایت در قالب اسم مفعول، در این مرحله مورد توجه قرار می گیرد.

۱-۲-۲. روابط اشتدادی ولایت در قرآن

با بررسی کاربرست مشتقات «ولایت» در آیات قرآن، این مفهوم با تأکید بر پر بسامدترین واژگان، با مفاهیم زیر رابطه معنایی اشتدادی برقرار نموده است:

۱. «نصرت»؛ در هر دو قالب اسمی و فعلی، با ۲۲ مرتبه کاربرد، پربسامدترین همنشین اشتدادی ولایت لحاظ می گردد.

۲. «شفاعت»؛ در قالب اسمی و به صورت صفت مشبیه (شفیع)، با ۳ مرتبه کاربرد عطفی در کنار واژه «ولی» (انعام: ۵۱ و ۷۰؛ سجده: ۴)، بعد از نصرت بیشترین همنشینی را با این واژه برقرار نموده است. ریشه این واژه در اصل به معنای انضمام و پیوستگی میان دو چیز است که از این ماده، صورت مصدری شفاعت و دیگر صورت های



صرفی مانند «شفیع» ساخته شده است، بدین معنا که شفیع خواهش خویش را به ایمان و عمل ناقص فرد مورد شفاعت منضم نموده و هر دو مجموعاً پیش خدا اثر می‌کند (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۴۹).

۳. «ملک»؛ این واژه به صورت مصدر، به معنای فرمان‌روایی و تصرف در امور با امر و نهی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۴)، ۲ مرتبه با واژه «ولی» همنشین شده است (بقره: ۱۰۷؛ توبه: ۱۱۶) و معنای تصرف در امور و مالکیت تدبیر انسان‌ها را در مفهوم ولایت مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. «هدایت»؛ این واژه نیز در قالب فعلی، ۲ مرتبه با «ولی» همنشین شده (اسراء: ۹۷؛ کهف: ۱۷) و معنای هدایتگری را در این مفهوم مورد تأکید قرار می‌دهد.

با توجه به اینکه همنشین‌های اشتدادی نقش مهمی در ساخت مؤلفه‌های معنایی یک واژه ایفا می‌کنند، توجه به معنای سایر همنشین‌های تک بسامدی نیز در اینجا با اهمیت خواهد بود؛ از این رو مفاهیمی چون معاشرت و همراهی (حج: ۱۳)، غفران و رحمت (اعراف: ۱۵۵)، اخوت و برادری (احزاب: ۵)، مظاهر و پشتیبانی (تحریم: ۴)، ربوبیت و تدبیر (رعد: ۱۶)، حکم و فرمان‌روایی (کهف: ۲۶)، وقایت و حفظ (رعد: ۳۷) و مودت و دوستی (ممتحنه: ۱) سهم قابل توجهی در تعیین مؤلفه‌های معنایی واژه ولایت ایفا می‌نمایند.

۱-۲-۳. رابطه تقابلی ولایت در قرآن

در نهایت با بررسی کاربردهای ولایت در ادبیات قرآن، می‌بینیم واژه «ولی» (از مشتقات ولایت) در یک‌جا با واژه «عدو» رابطه تقابلی برقرار می‌سازد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ...» (ممتحنه: ۱). این آیه با دستور به عدم اتخاذ «عدو» به عنوان «ولی» و تأکید بر این مسئله که این دو در کنار هم جمع نمی‌شوند، به نوعی این دو مفهوم را در تضاد و تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. ادامه آیه نیز با اشاره به مفهوم اشتدادی «مودت» به معنای دوستی و محبت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۰) در کنار ولایت، خود شاهی بر این تقابل می‌باشد.

با تعیین همنشین‌های اشتدادی و تقابلی، بخشی از مؤلفه‌های معنایی واژه ولایت در ادبیات قرآن برای ما روشن می‌گردد. حال در گام بعد می‌بایست بر محور روابط مکملی ولایت در قرآن، جانشین‌های این واژه را کشف نموده تا دیگر مؤلفه‌های معنایی واژه واضح و آشکار گردد.

۱-۳. بررسی جانشین‌های معنایی «ولایت» در قرآن کریم

در هیچ زبانی هم‌معنایی مطلق وجود ندارد، یعنی هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی بافت‌ها بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در زنجیره پدید نیاورند (صفوی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰۶). با این حال می‌توان با

تأمل در بافت‌های واژگان همنشین با همنشین‌های پر بسامد با واژه ولایت، به جانشین‌های «ولایت» دست یافت. همانگونه که گذشت، تنها آن دسته از همنشین‌های واژگان همنشین ولایت در این مرحله می‌توانند برای کشف واژگان جانشین به کمک کنند، که با این واژه در ارتباط مکملی - آن هم در همان سیاق مشابه - قرار گرفته باشد. همان طور که در جدول قبل مشاهده شد، پر بسامدترین واژگان همنشین با ولایت در رابطه مکملی، سه واژه «اتَّخَذَ» با بسامد ۲۲ مورد، «الله» با بسامد ۱۸ مرتبه و «وجدان» با بسامد ۷ مورد می‌باشند. در این میان، واژه «الله» علی رغم بسامد بالا، رابطه معنایی با «ولایت» ندارد، چرا که نام علم در معناشناسی ارزش معناشناختی ندارد و جایگزین آن را هر واژه دیگری می‌توان قرار داد (راموز، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۴). بنابراین در این مرحله به کشف واژگان همنشین با دو واژه «اتَّخَذَ» و «وجدان» و مشتقات آن می‌پردازیم. همنشین‌هایی که در رابطه مکملی با این واژگان در همان رابطه نحوی واژه «اتَّخَذَ» و «وجدان» با واژه ولایت به کار رفته باشند. از این رو با توجه به اینکه ولایت به عنوان مفعول دوم دو فعل «اتَّخَذَ» و «وجدان» در قرآن کاربست یافته است، در اینجا تنها به آن دسته از واژگان همنشین با این دو فعل اشاره می‌کنیم که به عنوان مفعول دوم آن دو در قرآن معرفی شده باشند.

جدول زیر این دسته از همنشین‌های «اتَّخَذَ» را با ویژگی‌های بیان شده گزارش می‌کند:

ردیف	آیه	واژه اصلی	مفهوم همنشین	تکرار
۱	وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا / وَإِذَا لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا / يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا	اتَّخَذَ / اتَّخَذُوا / لَمْ اتَّخِذْ	خلیل	۳
۲	وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا آيَاتًا مِنْ دُونِ اللَّهِ... / وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ آيَاتًا... / اتَّخَذُوا أَخْبَارَهُمْ وَ زُهَبَاهُمْ آيَاتًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...	يَتَّخِذُ / تَتَّخِذُوا / اتَّخَذُوا	ارباب / رب	۳
۳	أَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا / لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا	تَتَّخِذُوا / فَاتَّخِذْهُ	وکیل	۲
۴	أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ	اتَّخَذُوا	شفعاء / شفیع	۱
۵	وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا	مُتَّخِذَ	عَضُد	۱
۶	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا...	يَتَّخِذُ	انداد / ند	۱
۷	وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً...	لَمْ يَتَّخِذُوا	ولیجه	۱

جدول ۲: همنشین‌های «اتَّخَذَ»

در جدول زیر نیز همنشین‌های فعل «وجدان» با شرایط پیش گفته گزارش شده‌اند؛ البته از آنجائیکه در سیاق کاربرد وجدان در رابطه فعل - مفعولی با ولایت، مفعول اول - به طور مستقیم یا غیر مستقیم - خداوند می‌باشد، در اینجا به آن دسته از همنشین‌های فعل «وجدان» توجه می‌کنیم که مفعول دوم این فعل در کنار خداوند به عنوان مفعول اول کاربرد یافته‌اند:

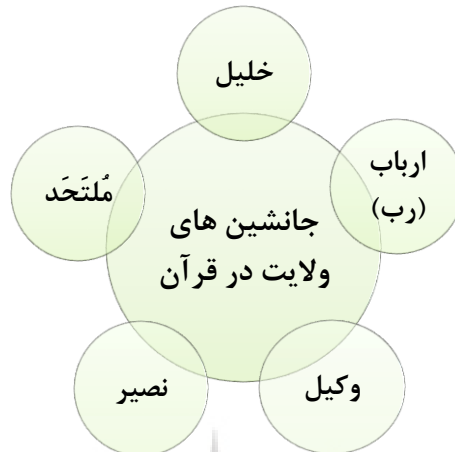
ردیف	آیه	واژه اصلی	مفهوم همنشین	تکرار
۱	أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا / ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا	تَجِدُوا / تَجِدُ	وکیل	۲
۲	ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا / فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا	تَجِدُ / يَجِدُوا	نصیر / انصار	۲
۳	وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا / قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا	تَجِدُ / أَجِدَ	مُلْتَحَد	۲
۴	لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا	يَجِدُوا	مَوئِل	۱
۵	لَوْجِدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا	وَجَدُوا	تَوَّاب	۱
۶	يَجِدِ اللَّهُ عَفْوَراً رَحِيمًا	يَجِدُ	عَفْوَراً	۱

جدول ۳: همنشین‌های فعل «وجدان»

با لحاظ بسامد بالای همنشینی و نیز تعدد نوع رابطه برای تعیین جانشین‌های واژه «ولایت» در ادبیات قرآن، از طریق فعل «اتخاذ» با سه واژه و از طریق فعل «وجدان» نیز با سه واژه به عنوان واژگانی که بیشترین ظرفیت را برای جانشینی واژه «ولایت» دارند، رو به رو می‌شویم؛ که یکی از این سه واژه (وکیل) در هر دو مورد اشتراک داشته و بدین ترتیب با پنج واژه زیر به عنوان جانشین‌های «ولایت» رو به رو خواهیم بود:

۱. «وکیل» (با بسامد ۴ مرتبه)؛ ۲. «خلیل» (با بسامد ۳ مرتبه)؛ ۳. «رب» (با بسامد ۳ مرتبه)؛ ۴. «نصیر» (با بسامد

۲ مرتبه، اما با تعدد انواع روابط با ولی) و «ملتحد» (با بسامد ۲ مرتبه).



شکل ۱: پنج واژه به عنوان جانشین های «ولایت»

۱-۳-۱. جانشینی «وکیل» از «ولی»

«وکیل» از ریشه «وکل»، در لغت به معنای تکیه و اعتماد به غیر و واسطاری امور به وی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲، مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۳، ص ۱۹۳) و نیز قیام برای حفظ و دفع ضرر از موکل (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۴۹۴) است؛ که با توجه به این جهات معنایی و معنایی که از «ولایت» بیان شد، اشتراکات معنایی قابل توجهی میان این دو واژه به چشم می خورد. به گونه ای که مشابه این دایره معانی در همنشین های اشتدادی ولایت همچون «مظاهر» و «تدبیر و سرپرستی» قابل مشاهده است و پیوند معنایی میان دو واژه را تأکید می کند.

این مشابهنها موجب شده است تا برخی محققان در تبیین مفهوم «ولایت فقیه» با اشاره به ارتباط معنایی میان دو واژه و بیان اینکه فقیه جامع الشرایط در نبودن امام، جانشینی و شؤون اجتماعی او یعنی حفاظت از دین و افتاء و قضاء را به نیابت عام از ایشان بر عهده دارد، به تبیین افتراقات مفهوم «ولایت فقیه» با مفهوم «وکالت فقیه» پرداخته اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۰-۲۰۷).

۲-۳-۱. جانشینی «خلیل» از «ولی»

«خلیل» از ریشه «خلل»، در اصل لغت به معنای شکاف میان دو چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۰) و خلیل در معنای دوستی و محبت، از این جهت است که هر یک از دو طرف رابطه دوستی، کاستی و شکاف های طرف مقابل را می پوشاند یا در معنای کمال دوستی است، از این جهت که این دوستی تا شکاف و خلل قلب طرفین رسوخ می کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۷).



در خصوص جانشینی این واژه با ولایت، لازم به ذکر است که اگر رابطه خلّت و محبت را یک جاذبه ادراکی بدانیم، ملاک این جذب و انجذاب، ملائمتی است که آن موجود با محبّ دارد و محبت انسان به چیزی تعلق می‌گیرد که ملائمت کمال آن را با وجود خودش دریافته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۳۱۵). در این معنا این رابطه محبت و دوستی، به عنوان انجذاب و رابطه‌ای وجودی میان محب و محبوب برقرار می‌شود که دقیقاً معنای اتصال و قرب در آن نهفته است. بر این اساس، رابطه معنایی و ثیقی میان ولایت و محبت ایجاد می‌شود که در خصوص ولایت الهی، همین محبت محور و مبنای ایجاد رابطه ولایی و اصلاً مساوق ولایت قرار می‌گیرد؛ چرا که اگر خاستگاه محبت، استکمال انسان باشد، اتصال انسان به کمال حقیقی -و به عبارتی پذیرش ولایت او- که همه کمال‌ها به او متصل می‌شود، ولایت را در تعاطی و تساوق با این رابطه محبت و دوستی معرفی می‌نماید (امینیان و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۸۷؛ نیز ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۱).

۱-۳-۳. جانشینی «رب» از «ولی»

«رب» در اصل لغت به معنای ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی است تا به حدّ نهائی و کمال خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶). برخی معتقدند، این واژه به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر کند و این مالکیت در معنای اصل لغت نهفته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱). برخی نیز واژه را به معنای سوق دادن شیء به سوی کمال آن گرفته‌اند، بدین معنا که شأن رب، سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آنها است و مفاهیمی همچون مالکیت، مصاحبت و قیمومت، همه از لوازم و آثار ربوبیت بوده و هر یک مصداقی از مصادیق متفاوت تربیت است، نه معنای آن (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۳۳۱). البته باید دقت نمود که از «رب» در باب تفعلیل، مصدر «ترتیب» ساخته می‌شود، نه «تربیت»، چرا که ربّ از نظر صرفی مضاعف و مربّی ناقص واوی است و مربّی از ریشه «ربو» به معنای رشد و زیادت است (همو). با این وجود چه مالکیت و تدبیر امور را در معنای لغت ملحوظ دانسته یا از لوازم تحقق آن بدانیم، مالکیت و تصرف در امور به منظور تدبیر آنها از مؤلفه‌های معنایی «رب» به حساب می‌آید و از این جهت پیوند وثیقی با ولایت برقرار می‌سازد. از همین رو علامه طباطبائی پس از بررسی موارد کاربرد «ولایت» در آیات قرآن چنین نتیجه می‌گیرد که «ولایت»، عبارت است از نحوه‌ای خاص از نزدیکی ولی به افراد تحت ولایت خود که موجب نوعی خاصی از حقّ تصرف و تدبیر امور می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲).

۱-۳-۴. جانشینی «نصیر» از «ولی»

«نصیر» از ریشه «نصر» در معنای یاور و یاری رسان، از دیگر جانشین‌های «ولی» لحاظ می‌گردد. با بررسی مجموع روابط چهارگانه «ولایت»، شاهد آن هستیم که مفهوم «نصرت» و مشتقات آن، هم در رابطه مکملی و هم در رابطه اشتدادی (با بالاترین بسامد: ۲۲ مورد) و نیز در رابطه جانشینی با این واژه قرار گرفته است و از این رو این تعدد رابطه از جهت تعیین مؤلفه‌های معنایی واژه، درجه اهمیت فراوانی دارد. ذکر واژه نصرت در کنار ولایت، در یک جمله و در سیاق کاملاً مشابه در دو جای قرآن، خود شاهد دیگری بر این ارتباط معنایی وثیق به عنوان جانشین واژه می‌باشد (نک: «وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا» (نساء: ۴۵) و «وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)).

در خصوص این رابطه جانشینی، لازم به ذکر است به عقیده برخی قرآن پژوهان از آنجا که ولایت در حقیقت به معنای قرب و نزدیکی است، لازمه قرب به چیزی، تصدی و سرپرستی امور و یا نصرت و محبت خواهد بود، چرا که ولایت به معنای قرب، به دو قسم امکان ظهور دارد؛ قرب اعتباری که اضافه و نسبت آن مبتنی بر دوطرف است و قرب حقیقی که اساس آن بر مضاف الیه استوار است، نظیر خورشید و نور آن که اضافه یک طرفه است و نور فرع بر آن وجود می‌یابد. قرب خدا به انسان از نوع قرب حقیقی است؛ از این رو قرب از ناحیه خداوند همواره حاصل است اما ممکن است که از ناحیه انسان قرب حاصل نشده باشد. به بیان دیگر، خداوند به همه بندگان نزدیک است، اما بندگان در قرب به خدا متفاوتند، مؤمنان به خدا نزدیک، و کافران از خدا دورند. در نتیجه، معانی «ولایت» ناظر به نوع قرب و ارتباط دو طرف، متفاوت می‌گردد. در این تحلیل، رابطه اول که رابطه طرفینی و تأثیر و تأثر متقابل است، رابطه نصرت و اعانت و دومی که تأثیر و تأثر در آن، یک جانبه است، رابطه سرپرستی و رهبری می‌نامند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۸-۳۶). بر پایه این معنا، رابطه ولایی در نوع اول آن، کاملاً بر رابطه نصرت منطبق شده و رابطه نصرت را می‌توان به عنوان جانشین این رابطه مطرح نمود.

۱-۳-۵. جانشینی «مُلْتَحِد» از «ولی»

«مُلْتَحِد» از ریشه «لحد»، در اصل به معنی حفره‌ای است که از وسط به یکی از دو طرف مایل شده باشد، از این رو «مُلْتَحِد» به جایی گفته می‌شود که انسان تمایل به آن پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۳۷)؛ که در ادبیات لغویین، معنای «ملجأ و پناهگاه» یافته است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۱۴۱). در این معنا، اشتراک معنایی واژه با معنای ولایت (قرب و نزدیکی) آشکار است؛ چرا که از لوازم میل و پناهندگی به چیزی، نزدیکی و قرب به آن است. به گونه‌ای که مشابه این معانی در سایر هم‌نشین‌های

اشتدادی ولایت همچون «مظاهرت»، «وقایت»، «شفاعت» و «نصرت» و نیز جانشین‌های واژه (وکیل و نصیر) به روشنی قابل مشاهده است و بر پیوند معنایی میان دو واژه تأکید می‌کند.

۲. مؤلفه‌های معنایی ولایت در قرآن

با استخراج واژگان همنشین و جانشین «ولایت»، در ادامه برای فهم عمیق‌تر مفهوم «ولایت»، قادر خواهیم بود مؤلفه‌های معنایی ولایت در قرآن را تعیین نمائیم. این تعیین، از طریق فهرست نمودن مفهوم واژگان پر بسامد که در رابطه اشتدادی و رابطه تقابلی با واژه مورد نظر بوده و نیز مفهوم نهفته در واژگان جانشین ولایت و مشتقات آن صورت می‌گیرد (ر.ک: سلمان نژاد، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰). بر این اساس، با توجه به جداول و توضیحات گذشته، می‌توان به ۱۵ مؤلفه معنایی برای این واژه اشاره نمود، که دید نسبتاً جامعی نسبت به معنای «ولایت» در کاربست قرآنی آن برای ما ایجاد می‌نماید:



شکل ۲: مؤلفه های معنایی ولایت

همان طور که در تبیین روابط همنشینی و جانشینی ولایت در خلال آیات دیدیم، در ۲۲ مورد، این ماده با «نصرت» همنشین و در ۲ مورد نیز جانشین شده است، که این دو ماده، معنای یکدیگر را تشدید می‌نمایند و وجود

نوعی نصرت و یاری را در مفهوم «ولایت» در رابطه ولاء نشان می‌دهد. در سه جا نیز این ماده با «شفاعت» هم‌نشین شده است که معنای حمایتی در آنجا نیز مشاهده می‌شود. این ماده دو مرتبه نیز با مفهوم «هدایت» و «مالکیت» هم‌نشین اشتدادی شده است، که مفهوم هدایت و سرپرستی در آن مشهود است. همچنین به طور کلی در دیگر آیات قرآن، این واژه با مفاهیمی از قبیل معاشرت و همراهی، غفران و رحمت، اخوت و برادری، مظاهرت و پشتیبانی، ربوبیت و تدبیر، حکم و فرمان‌روایی، وقایت و حفظ مودت و دوستی در یک رابطه اشتدادی هم‌نشین شده است که وجود این معانی را در مفهوم قرآنی از ولایت تقویت می‌کند.

با بررسی روابط مکملی این واژه در ادبیات قرآن و کشف هم‌نشین هم‌نشین‌ها، علاوه بر واژه «نصیر»، با چهار جانشین «وکیل»، «خلیل»، «رب» و «مُلْتَحِد» برای واژه «ولی» و مفهوم ولایت رو به رو هستیم که این عبارات جانشین، در دریافت معنای دقیق‌تری از «ولایت» در قرآن ما را یاری می‌کنند.

۳. تحلیل و جمع‌بندی:

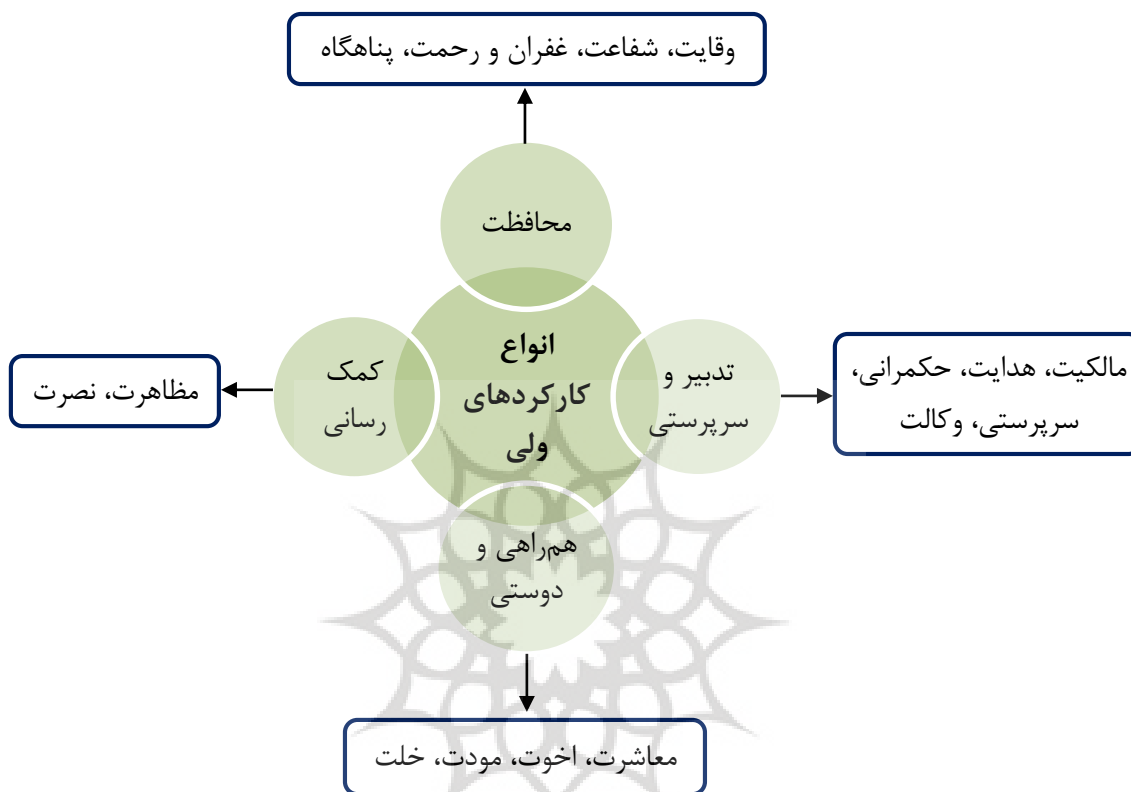
با در نظر گرفتن اشتراکات معنایی میان این ۱۵ مفهوم بیان شده، در مقام تحلیل و جمع‌بندی، با چهار کارکرد از «ولی» رو به رو خواهیم بود که توجه به آن‌ها، نقش بسزایی در درک صحیح از معنای واژه دارد:

۱. «رفاقت، همراهی و دوستی» که در واژگان هم‌نشین «معاشرت، اخوت، خلت، مودت»، جانشین «خلیل» و رابطه تقابلی با واژه «عدو» قابل مشاهده است؛

۲. «تدبیر و سرپرستی» که در واژگان هم‌نشین «مالکیت، هدایت، حکمرانی، سرپرستی، وکالت» و جانشین «رب» قابل مشاهده است؛

۳. «محافظت و پشتیبانی در خطر» که از واژگان هم‌نشین «وقایت، شفاعت، غفران و رحمت» و جانشین «مُلْتَحِد» به معنای پناهگاه قابل دریافت است؛

۴. «کمک رسانی و یاری‌گری» که از واژگان هم‌نشین «نصرت و مظاهرت» و واژه جانشین «نصیر» به خوبی قابل دریافت است.



شکل ۳: انواع کارکردهای ولی

بر پایه این تحلیل، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در یک رابطه ولایی، «ولی» و «مولی علیه» در اتصال و معاشرت با یکدیگر تعریف شده و پیوندی عاطفی بر مبنای اخوت، دوستی و مودت میان ایشان شکل می‌گیرد. به موجب این پیوند، ولی ملجأ، نگاهبان و پشتیبان مولی علیه قرار گرفته و نصرت، رحمت، حمایت و هدایت خویش را شامل حال او می‌کند. مولی علیه نیز با پذیرش حکمرانی و سرپرستی ولی، تسلیم تدبیر او شده، بر او تکیه می‌کند تا به لوازم این رابطه ولایی دست یابد. مجموعه این معانی مبتنی بر رابطه ساختاری واژه «ولایت» با دیگر واژگان در متن آیات قرآن کریم به دست می‌آید، در حالیکه از ابتدا در معنای ریشه‌ای واژه قابل مشاهده و کشف نبود. بر این اساس در الگوی حکمرانی دینی که در ادبیات سیاسی از آن با عنوان «ولایت» یاد می‌شود، با نوعی از حکمرانی رو به رو هستیم که در آن حاکم، در عین ولایت، دوست و حامی افراد تحت ولایت خود است، اعمال قدرت هست، اما از بالا به پایین نیست، بلکه همراه با برادری، دوستی و رفاقت، هدایتگری، پشتیبانی، حمایت و

یاری‌گری است و از خطای آنها چشم پوشی می‌کند. مشابه این معنا در کلام مقام معظم رهبری نیز قابل مشاهده است:

«اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا یعنی اشتقاقات کلمه ولایت معرفی می‌کند. معنای آن این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری به هم دارند. این، فلسفه سیاسی اسلام را در مسئله حکومت برای ما معنا می‌کند. هر حکومتی که این طور نباشد، ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست. اگر فرض کنیم در رأس قدرت کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد نه رابطه محبت و التیام و پیوستگی، این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سر کار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نسبی، منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست. ولایت آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه و محبت آمیز باشد.» (۱۳۷۶/۲/۶؛ دیدار با کارگزاران).

این رابطه ولایی، نه تنها در یک رابطه طولی با ویژگی‌های یاد شده قابل پیجویی است، بلکه به حکم آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه: ۷۱)، در رابطه عرضی میان مؤمنان نیز مصداق یافته و پاره‌ای از مؤلفه‌های معنایی یاد شده از قبیل «معاشرت»، «اخوت»، «مظاهرت و پشتیبانی»، «مودت»، «خلت و رفاقت» و «نصرت و یاری‌گری» را می‌توان در کنار مؤلفه معنایی «هدایت‌گری» (در امر به معروف و نهی از منکر) - که در آیه بدان تصریح شده است - در این رابطه عرضی مصداق‌یابی و تحلیل نمود؛ به طوری که با مراجعه به آیات قرآن می‌بینیم از میان مؤلفه‌های معنایی بیان شده، به مؤلفه‌های «اخوت» (حجرات: ۱۰)، «مظاهرت» (تحریم: ۴)، «مودت» (ممتحنه: ۱) و «نصرت» (انفال: ۷۲) در رابطه میان مؤمنان تصریح شده است.

نتایج تحقیق

مفهوم «ولایت» یکی از مفاهیم مهم و پربسامد در آیات قرآن کریم است که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و تربیتی کارکرد یافته است. معناشناسی این مفهوم بر پایه ساختار کاربست در آیات قرآن (معناشناسی ساختاری) نقش مهمی در کشف معنای آن در خلال آیات قرآن دست می‌دهد. این مفهوم در ساختار آیات قرآن، در یک رابطه مکملی، با مفاهیم «اتخاذ»، «نصرت»، «هدایت»، «توکل» و «سلطان» هم‌نشین شده است؛ در یک رابطه اشتدادی، با

مفاهیم «نصرت»، «شفاعت»، «ملک»، «هدایت» و پاره‌ای دیگر مفاهیم و در یک رابطه تقابلی با واژه «عدو» هم‌نشین گردیده است. «ولی» بر محور جانشینی نیز با واژگان «وکیل»، «خلیل»، «رب»، «نصیر» و «مُلْتَحَد» دارای هم‌معنایی است که دقت در این معانی مؤلفه‌های معنایی «ولایت» در آینه آیات قرآن را بر ما روشن ساخته و تحلیل دقیقی از ظرافت‌های معنایی این واژه دست می‌دهد.

مفاهیم اشتدادی، تقابلی و جانشین با مفهوم ولایت، حوزه معنایی «ولایت» در قرآن را ساخت می‌دهد که بر پایه تحلیل این مؤلفه‌های معنایی، با چهار کارکرد «رفاقت و همراهی»، «تدبیر و سرپرستی»، «محافظت و پشتیبانی» و «کمک‌رسانی و یاری‌گری» برای ولایت در ادبیات قرآن روبه‌رو هستیم. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در یک رابطه ولایی، «ولی» و «مولی علیه» در اتصال و معاشرت با یکدیگر تعریف شده و پیوندی عاطفی بر مبنای اخوت، دوستی و مودت میان ایشان شکل می‌گیرد. به موجب این پیوند، ولی ملجأ، نگاهبان و پشتیبان مولی علیه قرار گرفته و نصرت، رحمت، حمایت و هدایت خویش را شامل حال او می‌کند. مولی علیه نیز با پذیرش حکمرانی و سرپرستی ولی، تسلیم تدبیر او شده، بر او تکیه می‌کند تا به لوازم این رابطه ولایی دست یابد. مجموعه این معانی مبتنی بر رابطه ساختاری واژه «ولایت» با دیگر واژگان در متن آیات قرآن کریم به دست می‌آید، در حالیکه از ابتدا در معنای ریشه‌ای واژه قابل مشاهده و کشف نبود. این تحلیل، الگوی حکمرانی دینی (رابطه ولایی طولی میان ولی و مردم) و نیز الگوی رابطه اجتماعی میان مؤمنان (رابطه ولایی عرضی میان مؤمنان) را بر پایه ولایت با معنای تازه‌ای بازآرایی می‌نماید.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن فارس بن زکریاء، احمد (۱۳۹۲ق)، *معجم مقاییس اللغة*. قاهره: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*. بیروت: دارالصادر.
- احمدی زاده، محمد؛ طباطبائی نژاد، سیدسجاد؛ امینیان، علی (۱۴۰۳ش)، *نظام ولایت در اسلام*، تهران: نشر دانشگاه جامع امام حسین.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۳ش)، *درس گفتار انسان‌شناسی سیاسی در قرآن*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱ش)، *گنج واژه قرآن کریم: ساختار معنایی بر اساس یک رابطه شبکه‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).

- پالمر، فرانک (۱۳۸۵ش)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر کتاب ماد.
- جمشیدی، سیدحسین (۱۳۹۷ش)، *حوزه معنایی ولایت در قرآن*، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *شمیم ولایت*، تحقیق سیدمحمود صادقی، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *ولایت فقیه* تحقیق محمد محرابی، قم: نشر اسراء.
- حجازی، محمودفهمی (۱۳۷۹ش)، *زبان‌شناسی عربی*، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- راموز، ادريس؛ قانع، احمدعلی (۱۳۹۶ش)، «روش پیجویی مفاهیم مدرن در متون دینی (رابطه مفهوم امت در قرآن کریم و مفهوم فرهنگ)»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، شماره ۵۱، صص ۳۵-۵.
- رهنما، هادی (۱۳۸۲ش)، *معناشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتاب العربی.
- ساسانی، فرهاد؛ آزادی، پرویز (۱۳۹۱ش)، «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن با بهره‌گیری از شیوه هم‌نشینی و جانشینی»، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۹، صص ۸۴-۶۷.
- سقاب گندم آبادی، محبوبه (۱۳۹۵ش)، *معناشناسی واژگان مرتبط به حوزه امامت و ولایت در قرآن* (رساله دکتری)، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- سلیمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱ش)، *معناشناسی تدبیر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ‌نگاره* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- سلیمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۳ش)، «معناشناسی تدبیر در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی»، *فصلنامه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۵۲، صص ۱۲۴-۱۰۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: سوره مهر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۰۸ق)، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، بیروت: دارالجلیل.
- فتحی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴ش)، «مفهوم و مراتب ولایت در قرآن کریم»، *نشریه سخن جامعه*، شماره ۶، صص ۵۸-۴۱.
- الفیومی (۱۴۰۵ق)، *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دارالهجرة.
- قاسم نژاد، زهرا؛ رحیمی، زهرا (۱۳۹۳ش)، «معناشناسی سیستماتیک واژه ولایت و رسم شبکه‌های معنایی مرتبط با واژه ولایت در آموزه‌های امام رضا (ع)»، *پژوهشنامه تفسیر کلامی قرآن*، شماره ۴، صص ۶۵۴-۶۲۹.

قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کاظم، وحید (۱۳۹۶ش)، معناشناسی هم‌زمانی و درزمانی واژه ولایت در قرآن کریم، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، خوی.

لوپنر، سباستین (۱۳۹۹ش)، درآمدی بر معناشناسی، ترجمه جلال رحیمیان، تهران: نشر نویسه پارسی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

واقف زاده، شمسی (۱۳۸۹ش)، «مفهوم و مراتب ولایت در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴، صص ۲۴۲-۲۱۱.

Bibliography:

The Holy Quran.

- ‘Abd al-Bāqī, Muḥammad Fu’ād (1987). *al-Mu’jam al-Mufahras li-alfāz al-Qur’ān al-Karīm*. Beirut: Dār al-Jīl. (In Arabic)
- Ahmadi Zadeh, Mohammad; Tabatabayee Nezhad, Seyyed Sajjad; Aminian, Ali (2024). *The system of guardianship in Islam*. Tehran: Imam Hossein Comprehensive University Press. (In Persian)
- Black, Jeremy. (2000). *A Concise Dictionary Of Akkadian*. London: Oxford.
- Fathī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (2015). The concept and degrees of guardianship in the Holy Qur'an. *Sokhan-e Jame'e*, 6, 41–58. (In Persian)
- Fayyūmī (1984). *al-Miṣbāḥ al-Munīr*. Qom: Mu’assasat Dār al-Hijra. (In Arabic)
- Gesenius, William. (1939). *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, London: Oxford.
- Ghasem Nejad, Zahra; Rahimi, Zahra (2014). "Systematic semantics of the word “Wilayah” and drawing semantic networks related to the word “Wilayah” in the teachings of Imam Reza". *Journal of Theological Exegesis of the Qur'an*, 4, 629–654. (In Persian)
- Hijāzī, Maḥmūd Fahmī (2000). *Arabic linguistics*. Translated by Seyyed Ḥusayn Sīdī. Mashhad: Āstān-i Quds-i Raḍawī. (In Persian)
- Ibn al-Athīr, Mubārak ibn Muḥammad (1988). *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qom: Mu’assisa-yi Maṭbū’ātī Ismā’īliyyān. (In Arabic)
- Ibn Fāris ibn Zakariyā’, Aḥmad (1972). *Mu’jam Maqāyīs al-Lughā*. Cairo: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram (1993). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. (In Arabic)
- Izutsu, Toshihiko (1982). *God and man in the Qur'an*. Translated by Aḥmad Ārām. Tehran: Sharikat-Sahāmī-yi Intishārāt. (In Persian)
- Jamshidi, S. H. (2018). *The semantic domain of guardianship in the Qur'an* (Master’s thesis). Retrieved from Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). (In Persian)
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh (2009). *Shamīm Wilāyat*. Edited by Seyyed Maḥmūd Ṣādiqī. Qom: Nashr Isrā’. (In Persian)
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh (2009). *Tafsīr Tasnīm*. Qom: Nashr Isrā’. (In Persian)
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh (2010). *Wilāyat-i Faqīh*. Edited by Muḥammad Maḥrābī. Qom: Nashr Isrā’. (In Persian)

- Kazem, Vahid (2017). *Synchronic and diachronic semantics of the word "Wilayah" in the Holy Qur'an* (Master's thesis). Retrieved from Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). (In Persian)
- Löbner, Sebastian (2020). *Introduction to semantics*. Translated by Jalāl Raḥīmīyān. Tehran: Nashr-i Nuwīsa-yi Pārsī. (In Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī (2012). *Akhlāq dar Qur'ān*. Qom: Intishārāt-i Mu'assisa-yi Āmūzishī va Pazhūhishī-i Imām Khomeini. (In Persian)
- Muṣṭafawī, Ḥasan (1981). *al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm*. Tehran: Bungāh Tarjuma va Nashr-i Kitāb. (In Arabic)
- Pakatchi, Aḥmad (2012). *Glossary of the Holy Qur'an: Semantic structure based on a network relation*. Tehran: Research Center of Imam Sadiq University. (In Persian)
- Pakatchi, Aḥmad (2014). *Lectures on political anthropology in the Qur'an*. Tehran: Research Center of Imam Sadiq University. (In Persian)
- Palmer, F.R. (2006). *Semantics: A new outline*. Translated by Kūrosh Ṣafavī. Tehran: Nashr Kitāb Mād. (In Persian)
- Qurashī, Sayyid 'Alī Akbar (1992). *Qāmūs-i Qur'ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn ibn Muḥammad (1992). *al-Mufradāt fī Ḥarīb al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-'Ilm. (In Arabic)
- Rahnemā, Hādī (2003). *Semantic study of the names of the Hereafter in the Holy Qur'an* (Master's thesis). Retrieved from Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). (In Persian)
- Rāmūz, Idrīs; Qānī', Aḥmad 'Alī (2017). "Method of seeking modern concepts in religious texts (Relation between the concept of Ummah in the Holy Qur'an and that of culture)". *Religion and Communication*, No. 51, pp. 5-35. (In Persian)
- Robins, R.H. (1976). *A Short History of Linguistic*. London: Longman.
- Ṣafavī, Kūrosh (2000). *An introduction to semantics*. Tehran: Sūra Mehr. (In Persian)
- Salmān Nezhād, Murtaḍā (2012). *Semantic study of Tadabbur in the Qur'an with three approaches: structural, etymological, and historical conception* (Master's thesis). Retrieved from Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). (In Persian)
- Salmān Nezhād, Murtaḍā (2014). "Semantic study of Tadabbur in the Holy Qur'an with emphasis on paradigmatic and syntagmatic relations". *Journal of Historical Studies of the Qur'an and Hadith*, 52, 103–124. (In Persian)
- Saqqāb-i Gandomābādī, Maḥbūba (2016). *Semantics of terms related to the domain of Imamate and Wilayat in the Quran*. (Doctoral Dissertation). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. (In Persian)
- Sāsānī, Farhād; Āzādī, Parvīz (2012). "Analysis of the semantic components of "Haqq" in the Qur'an using paradigmatic and syntagmatic relations". *Journal of Comparative Language and Literature Research*, No. 9, pp. 67-84. (In Persian)
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1996). *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Intishārāt-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn. (In Arabic)
- Ṭabrisī, Faḍl ibn al-Ḥasan (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Intishārāt-i Nāṣir Khusraw. (In Arabic)
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn (1996). *Majma' al-Baḥrayn*. Tehran: Kitābfurūshī-yi Murtaḍawī. (In Arabic)

- Vaghef Zadeh, Shamsi (2010). "The concept and degrees of guardianship in the Holy Qur'an". *Qur'anic Studies Quarterly*, 4, 211–242. (In Persian)
- Zamakhsharī, Maḥmūd (1986). *al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Ta'wīl*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. (In Arabic)
- Zammit, Martin R. (2002). *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden. Boston, Koln: Brill.

